

● معرفی و نقد کتاب

پنتاگیت

تیری میسان، پنتاگیت، ترجمه فریدون نوبهار، (تهران ۱۳۸۱)، ۱۵۳ ص.

بود ارایه گردیده است. عکس مزبور که در صفحه ۱۶ بخش عکس‌های کتاب چاپ شده است توسط یکی از خبرنگاران تایمز نیروی دریایی در تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گرفته شده است و برای اولین بار در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۲ در پاریس در روزنامه لوموند چاپ شد و بسیاری از مطبوعات استدلال کردند که این عکس قطعه‌ای از هواپیمای بوئینگ ۲۰۰-۷۵۷ پرواز شماره ۷۷ خطوط هواپیمایی امریکاست. برخی نیز گفتند که شهود هواپیما را قبل از برخورد آن به پنتاگون دیده‌اند. روزنامه لوموند اطمینان خاطر داده بود که کارشناسان تشریح کرده‌اند که هواپیما بر اثر تصادم از هم متلاشی و بعد هم ذوب شده است و بدنه هواپیما که از آلومینیوم ساخته می‌شود در ۱۰۵۰ درجه

کتاب پنتاگیت توسط تیری میسان نویسنده و روزنامه‌نگار فرانسوی و سرپرست سایت اینترنتی Reseau Voltaire در تحلیل تناقض‌های موجود در گزارش‌ها و بیانات مقامات رسمی امریکا درخصوص وقایع ۱۱ سپتامبر با بهره‌گیری از شیوه‌های روزنامه‌نگاری تحقیقی نوشته شده و مکملی است بر کتاب اول وی "دروغ بزرگ" که توسط همین مترجم ترجمه و در دست چاپ است. کتاب پنتاگیت شامل شش فصل و یک بخش مصوررنگی است.

فصل اول کتاب به بحث در مورد تناقض‌گویی‌های رسمی در مورد عکسی است که از یک قطعه لاشه هواپیما برای اثبات این ادعا که چیزی که به پنتاگون اصابت کرده هواپیما

فازنهائت شروع به ذوب شدن می‌کند. وقتی این مطلب مطرح شد که، پس یکصد تن آلومینیوم ذوب شده باید ارائه شود برخی از مطبوعات گفتند که آلومینیوم در ۴۵۰۰ درجهٔ فازنهائت به "گاز" تبدیل می‌شود. در اینجا میسان سؤال می‌کند اگر در ۴۵۰۰ درجهٔ فازنهائت آلومینیوم ذوب و بخار شده چطور اندام انسانی سالم مانده که مقامات حکومت امریکا توانسته‌اند از روی اثر انگشت، یکی از مسافران را شناسایی کنند؟ هیچ یک از آتش‌نشان‌ها، آرشیکت‌ها، و یا مقامات وزارت دفاع تکه‌ای از بدنهٔ هواپیما را در محل حمله ندیده‌اند. سپس مطبوعات فرانسه ۶ ماه بعد از واقعه تکه‌ای از هواپیمایی را یافته‌اند که خود پنتاگون از آن خبر نداشته است.

در فصل دوم، تیری میسان به تحلیل شهادت‌های شهود واقعه که در گرماگرم حادثه در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در واشنگتن پست به چاپ رسیده و استخراج تناقض گویی‌های آنها می‌پردازد.

اولین شاهد از یک هواپیما صحبت می‌کند نه از یک بوئینگ که صدای آن را شنیده و دیده که به تیر چراغ برق خورد و بعد فشن فشن کنان رفت و سپس آتش و دود بلند شد و صدای انفجار دومی را هم شنیده است.

شاهد دوم می‌گوید که دیده است یک وسیلهٔ هوایی نقره‌ای رنگ از مقابل پنجرهٔ آپارتمانش در طبقهٔ چهاردهم عبور کرد: واشنگتن پست گفته‌های وی را به این صورت نقل می‌کند: "هواپیما که غرشی همانند هواپیماهای جنگی داشت از فراز گورستان آرلینگتن عبور کرد، آنقدر سریع پرواز می‌کرد که وی نتوانست نوشته‌های روی آن را بخواند ولی به نظر می‌آمد که قادر به حمل هشت تا دوازده نفر مسافر باشد و به طور مستقیم به طرف پنتاگون رفت". پس آنچه که شاهد دوم نقل می‌کند با بیانات و روایات رسمی تناقض دارد در واقع او از بوئینگ حرف نمی‌زند بلکه از هواپیمایی کوچک با ظرفیت ۸ الی ۱۲ نفر مسافر که صدای یک جت جنگی داشته سخن می‌گوید. اظهارات این شاهد (استیو پاترسون) در مصاحبه‌ای که ماه‌ها بعد پاری ماچ بنا بر مدعا با وی انجام داده تغییر کرده و عبارت "به نظر می‌آمد که قادر باشد ۸ تا ۱۲ نفر مسافر حمل کند" و نیز "صدای غرش یک هواپیمای جنگی داشت" از آن حذف شده است.

شاهد سوم گفته است، من هواپیمایی را دیده‌ام که در ارتفاع خیلی پایین نزدیک به ساختمان‌های مجاور پرواز می‌کرد.

دوم برخورد کرد و سه حلقه از پنج حلقه ساختمان‌های متحدالمرکز را سوراخ نمود" و در اینجا تیری میسان با ذکر این مطلب که در تمام عکس‌های منتشره از سوی وزارت دفاع مشاهده می‌شود که وسیله‌ هوایی که به ساختمان پنتاگون برخورد کرده در نمای ساختمان سوراخی به اندازه چند یارد ایجاد نموده و سه ساختمان آن طرف‌تر، با ایجاد یک سوراخ کاملاً گرد که قطرش به هفت پا بالغ می‌گردد مجدداً خارج گردیده، سؤال می‌کند کدام وسیله‌ هوایی می‌تواند این خسارت را وارد کند یک بوئینگ ۷۵۷-۲۵۰ و یا یک موشک و با مقایسه ابعاد یک بوئینگ با آثار خرابی‌ها می‌گوید: پس آثار بال هواپیما که یک جفت موتور نیز روی آن سوار است کجاست؟ قطعات متلاشی شده هواپیما کجاست؟

در پاسخ به استدلال‌های ناموجه کارشناسان ناشناسی که در مطبوعات گوناگون برای توجیه عدم به دست آمدن قطعات بوئینگ که سه ردیف ساختمان را سوراخ کرده و در وزارت دفاع پیش رفته و ذوب و تبخیر شده میسان می‌گوید پس هواپیما در لحظه برخورد با نمای بیرونی ساختمان مستعد بوده تا از هم

شاهد چهارم نام سایبرت گفته است: "ما صدایی شنیدیم که صدای موشک بود و صدای یک انفجار قوی به گوشمان خورد."

از چهار تن شهود اصلی، شاهد اول کیرک ملبورن ذکری از بوئینگ به میان نمی‌آورد مگر یک "هواپیما" که صدای مخصوص داشته است. شاهد دوم، استیو پاترسون از یک هواپیمای کوچک با ظرفیت ۸ الی ۱۲ مسافر و با صدای یک هواپیمای جنگی، صحبت می‌کند. شاهد سوم که هواپیمای خطوط هواپیمایی امریکا را شناسایی کرد و شاهد چهارم که هواپیما را ندیده ولی صدای موشک را شنیده است. در ادامه این فصل تیری میسان به بررسی شهادت‌های شهود دیگری که با آنان مصاحبه شده پرداخته و تناقض‌های موجود در اظهارات شهود را مورد بحث قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد آنچه که اغلب آنان در مورد مسیر و صدای وسیله نقلیه هوایی گفته‌اند به صدا و حرکت یک موشک، درست در آخرین مرحله پرواز و قبل از اصابت به هدف مربوط می‌شود. فصل سوم با عنوان فرضیه موشک با اظهارات آقای دونالد رامسفلد وزیر دفاع بحث را آغاز می‌کند که اظهار داشته است: "هواپیما با تمام نیرو به حاشیه ساختمان بین طبقه اول و

متلاشی شود و هنگام پیشروی در سه ردیف ساختمان هم آماده بوده تا در ۴۵۰۰ درجهٔ فارنهایت تبخیر شود در عین حال هم دو ردیف دیگر را سوراخ کند و در نمای بیرونی ردیف سوم سوراخی به قطر ۷ پا باز کند. وی می‌گوید: دماغهٔ هواپیما یک پوستهٔ ساخته شده از الیاف کربن است که به محض برخورد با مانعی در هم می‌شکند، پس چگونه ممکن است قبول کنیم که سه ردیف ساختمان ساخته شده از مواد ویژه تقویت شده را سوراخ کند و پیش برود. برای تشریح بیشتر در فصل سوم زیر عنوان "آثار خرج گودساز" نوشتهٔ پیر هنری بونل فارغ التحصیل دانشکدهٔ افسری سن سیر فرانسه و افسر سابق توپخانه که کارشناس رسمی آثار مواد منفجره روی انسان و ساختمان‌ها، آثار مهمات توپخانه روی پرسنل و ساختمان‌ها، آتش‌نشانی آتش‌های ویژه، لاشه و بقایای هواپیماهای منهدم شده می‌باشد، استفاده می‌نماید. هنری بونل با شرح جزئیات عمل کلاهک موشک و خرج‌های گودساز و انواع حریق و انفجار، شعله‌های ناشی از مواد گوناگون را بررسی کارشناسی نموده و با مقایسهٔ عکس‌های حریق ناشی از بنزین هواپیما در برج‌های مرکز تجارت جهانی و پنتاگون خاطر نشان می‌سازد، که شعله‌های آتش در

برج‌ها ناشی از احتراق بنزین هواپیما، با دود تسوأم و زرد رنگ است که دلیل سوختن هیدروکربن می‌باشد. درحالی که شعلهٔ آتش پنتاگون به سرعت از داخل ساختمان در حال گسترش به بیرون است شعلهٔ نارنجی رنگی است که از انفجار بسیار قدرتمندی ناشی گشته و لذا موضوع هواپیماربایی و کوبیدن آن به ساختمان وزارت دفاع زیر سؤال رفته و فرضیه موشک تقویت می‌گردد. در ادامه در فصل "غیب شدن یک هواپیما" تیری میسان می‌گوید: دستگاه فرستندهٔ علائم راداری هواپیما که در واقع شناسنامهٔ هواپیما محسوب می‌گردد، پس از پرواز به طور عمد از کار انداخته شده تا هواپیمای مسافری از دید رادارهای غیرنظامی خارج گردد و در دید رادارهای نظامی قرار گیرد. در این حال در فضای هر شهری که با چنین خطری مواجه باشد وضعیت اضطراری برقرار می‌گردد که در وهلهٔ اول سعی می‌شود با رادیو با هواپیما تماس گرفته شود، سپس هواپیماهای نظامی برای رهگیری به پرواز درمی‌آیند. بالاتر از همه دفاع ضد موشکی، هر هواپیمای مهاجم ناشناس را فوراً هدف قرار می‌دهد، مگر این که از هواپیما امواج و علائم خودی مخابره شود. دانیل اوپرایسن، که یکی از کارمندان

سنطه‌جویی هستند، خود برنامه‌های این ماجرا را از قبل ریخته‌اند.

یک هواپیمای آلومینیومی چگونه می‌تواند سه ردیف ساختمان را سوراخ کند و "مته" وار پیش برود و هیچ آثاری از قطعات آن هم به جای نماند؟ چگونه است که با وضع قانون پاتریوت^۱ جنوی تحقیقات سنا در مورد وقایع تروریستی ۱۱ سپتامبر گرفته می‌شود؟

چطور ممکن بوده ۵ سکوی موشک دفاع ضد هوایی وزارت دفاع برای هدف قرار دادن به اصطلاح هواپیمای ربوده شده عکس‌العملی نشان ندهد؟

تیری میسان که بخشی از کتاب پنتاگیت را به تحلیل کارشناسی پیر هنری بونل افسر

هواپیمای فدرال می‌باشد به خبرنگاران گفته است: "سرعت و قابلیت‌های مانور این هواپیما و نحوه دور زدن آن، ما را که کارکنان با سابقه کنترل ترافیک هوایی اتاق رادار هستیم واداشت تا همه فکر کنیم یک هواپیمای نظامی است". پس منابع غیرنظامی تأیید کرده‌اند که وسیله هوایی ناشناس با سرعت و با قدرت مانور خیلی زیاد عازم واشنگتن بوده حال چگونه است که دفاع ضد موشکی خودکار وزارت دفاع (مشکل از ۵ سکوی موشکی) شی پرنده را هدف قرار نداده است؟ تیری میسان استدلال می‌نماید که احتمالاً موشکی خودی بوده که علائم خودی ارسال می‌کرده چون هواپیمای مسافری دستگاه فرستنده علائم راداری‌اش خاموش بوده است.

به نظر تیری میسان واقعیت ماجرای

۱۱ سپتامبر چیزی نیست که برخی از مقامات و مراجع دولتی امریکا سعی در جلوه دادن آن دارند. برنامه‌ریزی و انجام این حملات تروریستی از توان موجودی به نام بن لادن که خود جاسوس سیا بوده خارج است. تیری میسان بر این باور است که با توجه به ترکیب نفتی - نظامی دستگاه کابینه بوش محافظی از سیاست‌مداران امریکایی دست اندرکار فتنه‌انگیزی و ایجاد جنگ‌های منطقه‌ای برای

1. Uniting and Strengthening America by Providing Appropriate Tools Required to Intercept and Obstruct Terrorism Act U.S.A PATRIOT ACT

قانون اتحاد و تقویت امریکا با تأمین ابزار مناسب برای رهگیری و ممانعت از تروریسم. این قانون که خیلی‌ها از آن به عنوان قانون وطن‌پرستی برداشت اشتباهی به عمل می‌آورند علامت اختصاری یک جمله طویل است که خود بسیار سؤال برانگیز می‌تواند باشد که گروهی به قصد تحریک افکار عمومی به قانون پیش ساخته چنین عنوانی را داده‌اند تا سیاست‌های عوام‌فریبانه ضد تروریستی را توجیه کند و هر اقدام فشار آمیز داخلی امریکا بانام "وطن پرستی" زیر سؤال نبرند.

تصمیمات نامشروع خویش است و حال که در سال ۲۰۰۳ پس از افغانستان مبادرت به اشغال عراق کرده است، اظهارات تیری میسان خواننده را به تفکرات بیشتری در مورد منشأ حملات ۱۱ سپتامبر وا می‌دارد.

نادر شریفی سرابی

توپخانه و کارشناس آتش‌نشانی، در مورد انفجار و حریق وزارت دفاع اختصاص داده، تا نتیجه گیرد که این واقعه از برخورد موشک ناشی شده نه هواپیمای مسافربری. وی می‌گوید که دروغ باقی حکومت در مورد واقعیت حمله‌ای که به پست‌آگون شسده است، ضربه‌ای مهلک بر دموکراسی امریکا و حقوق بین‌الملل است. حکومت بوش با تحریک هموطنانش و بقیه جهان درصدد جلب حمایت و پشتیبانی از

